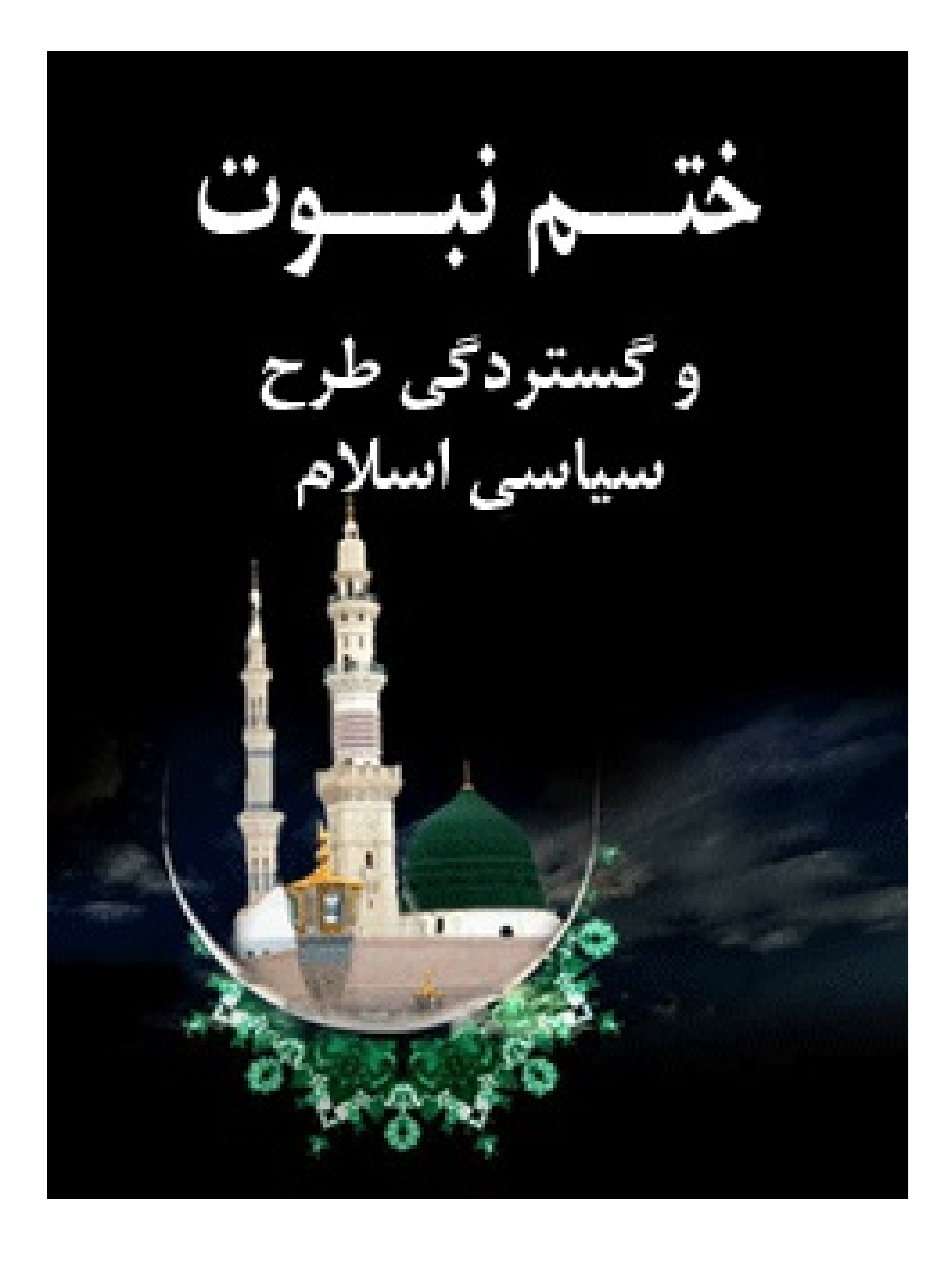

ختم نبوت
و گستردگی طرح
سیاسی اسلام


بسم الله الرحمن الرحیم

# ختم نبوت و گستردگی طرح سیاسی اسلام

نویسنده:

مجله حوزه

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

# ختم نبوت و گستردگی طرح سیاسی اسلام

## مشخصات کتاب

نویسنده : مجله حوزه

ناشر : مجله حوزه

## ختم نبوت و گستردگی طرح سیاسی اسلام

ذوب بودن سیاست در دین و جداناپذیری این دو از همدیگر، در نبوت ها پیوسته سیر تکاملی داشته تا این که در کامل ترین نبوت هـا، این سیر به اوج خود رسید. دین اسلام که وجه تمایز آن از دیگر ادیان اکمل بودن آن است، طبیعی است این کامل تر بودن، بایـد در همه امور و صحنه ها تجلی داشته باشد. از این رو توحید در اسلام، از توحید در دیگر ادیان کامل تر، و نیز مفهوم نبوت، پاک تر و منزه تر، و اصل امامت، مترقی تر و مفهوم معاد، روشن تر و دقیق تر می باشد. همچنین شریعت اسلام، وسیع تر و عمیق تر و تجربه نبوی پیامبر اسلام) آن پر بارتر و میدان آن وسیع تر و گسترده تر است.طرح سیاسی اسلام ـ جنبه ای که بیشتر از دیگر جنبه هـا، مـدنظر در این بحث می باشد ـ وسیع تر و از شمول بیشتری نسبت به دیگر ادیان برخوردار است و چنانچه بخواهیم آماری از کتاب ها و تألیفاتی که در این زمینه نوشته شده است تهیه کنیم، یک کار کتابشناسی (ببوگرافی» گسترده مشتمل بر هزاران اسم و عنوان کتاب و مقاله خواهد شد وما در این جا درصد تشریح ابعاد برنامه سیاسی اسلام در زمینه حکومت و دولت و تغییر و تحول اجتماعی و انقلاب و یا درگیری و مواجهه سیاسی نیستیم، و تنها می خواهیم اشاره ای به این نکته داشته باشیم که خاتمیت به این معنا نیست که نبوت ها از وظایفی که پیش از این مد نظرشان بود، از این پس دیگر صرف نظر کرده[؛ک ک نا و یا این که آن تأثیر و کارکردی را که داشته اند از دست دادند. بلکه خاتمیت یک مفهوم و معنای دیگر دارد که همان اکمل بودن است. خاتمیت یعنی این که خط انبیا با آمدن پیامبر اسلام به اوج خود رسید و دیگر پس از اسلام، بشریت نیاز به نبوت و دین جدید ندارد چرا که اسلام یک دین جاودانه است و این توانایی را دارد که پاسخ گوی تمام مقتضیات زمان و مکان تا روز قیامت باشد.به بیان دیگر خداوند تنها یک دین بیشتر ندارد و آن اسلام است، و این سلسله ادیان و نبوت ها همگی به این دین انتساب دارند نه دین دیگر. از این رو شاید تعبیر از نبوت ها به ادیان دقیق نباشد. چرا که خداوند یک دین بیشتر ندارد و آن اسلام است و نقش رسالت ها و نبوت ها بیان درجات و مرتبه های متفاوت از آن دین واحد است. رسالت حضرت نوح (ع) و انبیای تابع آن برای بیان و تبلیغ رتبه اول از آن دین بوده، و رسالت و آیین ابراهیم و نبوت های تابع آن برای بیان مرتبه ای بالاتر آن بوده است و در مورد حضرت موسی و حضرت عیسی نیز امر بر همین منوال است. تا این که نوبت به حضرت محمد (ص) رسید که پیام رسان آخرین و بالاترین رتبه آن دین واحد بود و رتبه ای بالاتر از آن وجود نداشته تا سبب پیدایش نبوت جدیدی شود. ین و سیاست در یک نگاهی مقایسه ای بین اسلام و نبوت های پیش از آن رسالت اسلام در رابطه با دین و سیاست نسبت به رسالت ها و نبوت های پیش از خود دارای ویژگی های منحصر به فردی است که آن را متمایزتر و برجسته تر کرده است.شرح تمام این ویژگی ها از حوصله این نوشتار خارج است، لـذا به بیان برخی از این ویژگی ها اکتفا می کنیم: ـ مطالب سیاسی و اجتماعی: در عمیق ترین لایه های تکالیف و فرایض عبادی و دینی، بیان شده است. بطور مثال متون ادعیه همواره بر فرم ها و قالب های جمعی تأکید دارد و فرم فردی را مهمل گذشته است. و نمازهای یومیه در مراتب فضیلت با هم متفاوت است، و کمترین مرتبه نماز مربوط به نماز فرادا است، و حال آن که مرتبه بالاتر آن نماز جماعت در مسجد جامع است و نماز جمعه که از دو رکعت و دو خطبهء اجتماعی تشکیل شده و همراه با اسلحه ای است که امام جمعه بر آن تکیه می زند و در سایه دولت شرعی اقامه می شود. حج نیز یک فریضه دینی است که همزمان با بعد تعبد و تهجد

به عمیق ترین و حساس ترین مسایل مربوط به اجتماع و سیاست می پردازد و حتی در مورد روزه نیز می توان گفت که خداوند متعال آن را یک پدیده اجتماعی قرار داده که همه افراد امت اسلامی را شامل می شود.نماز عید مظهر وحدت امت اسلام، اقتدار، پیروزی و عزت آن است و چنانچه مروری دقیق بر قرآن کریم داشته باشیم، می توانیم به ده ها مورد از این قبیل برخورد کنیم. به طور مثال آن جایی که خداوند متعال می فرماید: «الذین ان مکناهم فی الارض أقاموا الصلاۀ و آتوا الزکاۀ و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر...» «آنان کسانی هستند که اگر آن ها را در زمین مکنت و قدرت دهیم نماز را اقامه کنند و زکات را بجا آورند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند».بنابراین نماز عمق و محتوای درونی نظام اسلامی را تشکیل می دهد و هرگاه خداوند متعال این فرصت را به مومنان بدهد که این نظام را تشکیل دهند، مومنان به ترسیخ و تأکید و عمق بخشیدن به این محتوا در جامعه اسلامی خواهند پرداخت و حال آن که شما با چنین نگرشی پیرامون فرائض دینی در هیچ یک از ادیان گذشته برخورد نمی کنید.ـ ربط دادن مسایل ایمانی با مسایل اجتماعی: بارزترین شاهد بر این مدعا ربط دادن مکرر قرآن کریم بین ایمان و عمل صالح در بیش از پنجاه مورد می باشد و این دلالت دارد بر این که اسلام یک طرح و یک نظام اجتماعی است و حتی نماز که انتظار می رود فردی باشد در اسلام یک عنصر اجتماعی است چرا که نماز: «تنهی عن الفحشاء و المنکر».ـ نظام سیاسی: همچنین اسلام با داشتن یک نظام سیاسی روشن و گسترده و متکامل از دیگر ادیان سماوی ممتاز شناخته شده است. نظام سیاسی اسلام با دیگر برنامه ها، نظام ها و عقاید آن، همگونی و انسجام کامل دارد. درگیری شدید در امامت و خلافت که تاریخ اسلام شاهد آن بوده، در واقع از جهت عدم شفافیت نظام سیاسی اسلام نیست بلکه علت آن انحراف از اسلام، هواپرستی و تعصب قبیله ای و قومی بوده که مانع شده است تا تعداد[ّنا زیادی از صحابه رسول خدا از اعتراف کردن به حقانیت حضرت علی (ع) و تسلیم در برابر فرمان رسول خدا امتناع کنند و افزون بر این، تعصبات قبیله ای آن ها را وا داشت که هر کدام آب را به آسیاب خود بریزند، تا جایی که نزدیک بود امت از دین پیامبر ارتداد پیدا کند وگرنه منابع تاریخی و روایی مسلمین همگی بر این مسأله اتفاق نظر دارند که پیامبر اسلام در جاهای متعدد بر خلافت حضرت علی (ع) و این که ایشان امام مسلمین بعد از پیامبر است تصریح فرمودند.ـ تجربه سیاسی کامل پیامبر اسلام: تجربه سیاسی پیامبر اسلام بسیار پر بار و شامل مراحل گوناگونی بود. درگیری و انقلاب، سپس حکومت و تجربه دولت داری، پس از آن آغاز فتوحات و توسعه قلمرو سرزمین اسلامی و مطرح شدن اسلام در سطح جهانی، سرفصل های اصلی تجربهء سیاسی پیامبر اسلام (ص) بود که هر کدام می تواند در بیان سیرهء سیاسی پیامبر و رابطهء این سیره با سیاست و حکومت، بسیار راهگشا و تعیین کننده باشد در سطور ذیل چند موضوع و مفهوم سیاسی دیگر در این رابطه بطور مختصر توضیح داده می شود.بیین پاره ای از مفاهیم سیاسی در تجربهء سیاسی پیامبر اسلام ـ قرآن کریم منصب حکومت را از شؤون پیامبر اکرم (ص) می داندآیات متعدد قرآنی، بیانگر این مطلب است که مقام و منصب حکومت، یکی از شؤون پیامبر گرامی اسلام (ع) بوده است که به برخی از آن ها، اشاره می کنیم:«انا انزلنا الیک الکتاب بالحق لتحکم بین الناس بما اراک الله ولا تکن للخائنین خصیماً» [۱] «ما کتاب را ـ به حق ـ بر تو فرو فرستادیم، تا بین مردم براساس آن چه خداوند به تو آموخته است حکم برانی؛ پس مدافع خیانت کاران مباش».«یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله و الرسول ان کنتم تؤمنون بالله و الیوم الاخر ذلک خیر و احسن تاویلاً». [۲] .«هان، ای مؤمنان! از خدا، پیامبر و اولی الامر خود پیروی کنید؛ و چون در چیزی نزاع کردید، اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، آن را به خدا و پیامبر ارجاع دهید؛ این کاری پسندیده است، و فرجام بهتری ـ هم ـ دارد». [۳] «فلا و ربک لا ـ یؤمنون حتی یحکموک فیما شجر بینهم ثم لا ـ یجدوا فی انفسهم حرجا مما قضیت و یسلِّموا تسلیماً». «نه، سوگند به پروردگارت که آنان ایمان نمی آورند مگر این که در مشاجره هایی که بین آن هاست تو را داور قرار دهند؛ و در درون خود، نسبت به قضاوت تو در تنگنا نباشند، و تسلیم محض حکم تو شوند». [۴] «النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم...».«پیامبر نسبت به مؤمنان (در امور مربوط به زندگی شان) از خود آن ها، سزاوارتر است». از آیات یاد شده ـ و نظایر آن ـ به دست می آید، که مسأله ی

حکومت و تصدی امور جامعه، یکی از شؤون نبوت و وظایف نبوت و وظایف پیامبران الهی است. همان گونه که ابلاغ پیام های الهی، تعلیم و تزکیه، دعوت به توحید، پند و اندرز، هدایت و ارشاد نیز از شؤون و اهداف دیگر نبوت است با این تفاوت که رسالت پیام رسانی و وعظ و اندرز، و امر به معروف و نهی از منکر بدون حمایت و پشتیبانی مردم نیز انجام پذیر است، به همین جهت است که این اهداف توسط همهء پیامبران و در هر شرایطی، تحقق می یابد اما، وظیفهء حکومت، بدون حمایت و پشتیبانی مردمی انجام شدنی نیست از این روی، چه بسا برخی یا بسیاری از پیامبران، موفق به تشکیل حکومت دینی نشده اند؛ ولی این امر به تفکیک نبوت از حکومت و دین از سیاست، دلالت نمی کند. همانطور که دلیلی بر این که این گروه از پیامبران در جهت تأسیس حکومت، تلاشی نکرده اند ـ نیز ـ نیست. ـ تجربهء بیعت به عنوان یک اصل مهم سیاسی و حکومتی در سیرهء پیامبر اسلام بیعت که از آن به صفقه هم تعبیر می شود، در اصل عبارت است از دست به دست هم زدن پس از انجام معامله برای ایجاب بیع و یا برای مبایعت و اطاعت و این دست به دست هم زدن در مورد معامله ی کالاـ و اجناس، نشانه ی لزوم و وجوب معامله و بیع بوده است،یعنی این معامله قابل فسخ نمی باشد و سیره و شیوه ی عرب چنین بود که وقتی چیزی را می فروختند، به نشانه ی لزوم معامله دست به دست هم می دادند. این عمل در مورد تعیین حاکم نیز توسعه پیدا می کند، و سیره و سنت اجتماعی چنین می شود که مردم توسط[؛ّنا بیعت کردن، حاکم مورد نظر خود را تعیین می نمودند.راغب اصفهانی در مفردات القرآن بیعت را چنین معنا می کند:«و بایع السلطان اذا تضمن بذل الطاعهٔ له بما رضخ له و یقال: لذلک: بیعهٔ و مبایعهٔ». فلانی با سلطان بیعت کرد، وقتی گفته می شود که بیعتش متضمن بذل اطاعت باشد، البته اطاعت بقدر مقدور و به این عمل بیعت و مبایعه گفته می شود.در معنای بیع، بیعت و مبایعه، نقل و انتقال وجود دارد، چون نتیجه ی نقل و انتقال که همان تصرف است، با دست انجام می گیرد، به همین جهت دست به دست زدن هنگام بذل اطاعت را مبایعه و بیعت خوانند، و حقیقت آن این است که بیعت کننده، دست خود را به بیعت کننده می بخشد، یعنی این دست مال تو است می توانی به آن هرگونه تصرف نمایی، و من در برابر تو دست ندارم.خلیل ابن احمد گوید:«البیعهٔ: الصفقهٔ علی ایجاب البیع، و علی المبایعهٔ و الطاعهٔ».بیعت، عبارت است از دست زدن بدست، برای لزوم بیع، و قرارداد و مبایعت و اطاعت. قیومی گوید: «و تطلق ایضاً علی المبایعهٔ و الطاعهٔ».«بیعت اطلاق می شود بر تعهد و اطاعت».بآیعوه بالخلافهِٔ و بویع له بالخلافهٔ: او را به خلافت برگزیدند، یا حکومت او را بگردن نهادند. پس بیعت عبارت است از فرمانبرداری و پیمان بستن برای حکومت در اسلام نیز، این عادت معروف و معمول، برای میثاق و پیمان با امام (ع) و وجوب اطاعت از او، مورد استفاده قرار گرفته است و بیعت همان طریقه و شیوه ی شرعی است که بوسیله آن، مردم سرنوشت سیاسی خود را تعیین می کنند، و حاکم دلخواه و مورد نظر خود را بر می گزینند، از این رو بیعت ارتباط عمیق و اساسی با ریاست و حاکمیت در دولت اسلامی وحیات سیاسی مسلمین دارد.در سیره ی پیامبر اسلام (ع) می خوانیم که به منظور الزام اطاعت از حاکمیت خود، از مردم بیعت می گرفت و اخذ بیعت در حیات سیاسی آن حضرت چندین بار تکرار شد و بیعت اساسی ترین سنگ زیر بنای نظام سیاسی،[؛ّنا اجتماعی اسلام را شکل داده است. چنانکه پیامبر اسلام (ص) با خصومت شدید مشرکین مکه روبرو گردید، سالی در موسم حج در یک شب ماهتابی، شش نفر از قبیله ی «اوس» در عقبه که محلی است در نزدیکی منا، به آن حضرت بیعت کردند.در سال دیگر، دوازده نفر نمایندگان دو قبیله ی «اوس» و «خزرج» در همان محل با آن حضرت بیعت نمودند، و حضرت پیامبر اسلام (ص) بموجب این قرار داد، رییس و فرمانده اقلاً دوازده نفر خانواده ی مدنی شناخته شد آنان از پیامبر (ص) تقاضای معلم کردند تا به آنان قرآن بیاموزد، حضرت، مصعب ابن عمیر را بحیث معلم و نمایندهء خود با آن ها فرستاد. و او این توفیق را یافت که دو دسته ی متخاصم «اوس» و «خزرج» را که سالیان دراز با همدیگر در حل جنگ بودند، با هم آشتی دهد.در سال سوم، از میان کاروان پانصد نفری حجاج که از مدینه به مکه آمده بودند، هفتاد و سه نفر مسلمان که دو نفر زن نیز به همراه آنان بودند، به همراه معلم خود در عقبه خدمت آن حضرت رسیدند. در این جلسه ی سری شبانه که دیدگان مشرکان عرب همه در خواب رفته بود، نخست عباس عموی پیامبر (ص)

گفت: ای خزرجیان! شما پشتیبانی خود را نسبت به آئین محمد (ص) ابراز داشته اید بدانید که وی گرامی ترین افراد قبیله ی خود می باشد، و تمام بنی هاشم اعم از مؤمن و غیر مؤمن، دفاع از او را بعهده دارند، ولی اکنون محمد (ص) جانب شما را ترجیح داده و مایل است در میان شما باشد، اگر تصمیم دارید که روی پیمان خود بایستید و او را از گزند دشمنان حفظ کنید، او می تواند در میان شما زندگی کند، و اگر در لحظات سخت، قدرت دفاع از او را ندارید، هم اکنون دست از او بردارید و بگذارید او در میان عشیرهء خود با کمال عزت و مناعت و عظمت بسر ببرد. آنان گفتند: ما همانطور که از خانواده ی خود دفاع می کنیم، از تو دفاع می کنیم. بدان ها گفته شد که شاید این دعوت بجنگ با همه ی دنیا منتهی شود، آن ها عزم راسخ خود را اعلام کردند که هیچ گاه از عهد و پیمان خود دست بر نخواهند داشت. آنگاه حضرت فرمود: از این به بعد من نیز متعلق بشما هستم، خون شما خون من و عفو شما عفو من است. آنگاه از آن ها تقاضا کردند که رؤسای طوایف شان را انتخاب کنند، و آنان دوازده نفر را بعنوان رؤسای دوازده قبیله برگزیدند.این پیمان ها و بیعت ها بطور قطع اولین سنگ بنای سیاست اسلامی را با افراد و سرزمین ها و سازمان ها و قبایل[؛]نا پی ریزی کرد و این جمعیت اندک با بیعت و پیمان خود، حاکمیت مطلقه ی حضرت رسول خدا را پذیرفتند، و زمینه ی برای تشکیل حکومت و دولت در مدینه را فراهم کردند.همچنین قبل از فتح خیبر، حضرت پیامبر اسلام (ص) اصحابش را فراخواند، تا بدون حمل سلاح در مکه برای انجام عمره شرفیاب شوند، حضرت با همراهان که هزار و سیصد و شصت نفر بودند، در ذوالحلیفه احرام بستند و بحرکت ادامه دادند تا به «حدیبیه» رسیدند، این خبر به اهل مکه رسید و آنان از این امر به وحشت افتادند و قبایل همدست و هم پیمانان خود را برای مقابله فرا خواندند پیامبر اسلام (ص) نیز آمادگی گرفت و فرمود: خداوند به من دستور داده که بیعت بگیرم، و مردم هم به آن حضرت بیعت کردند بر آن که فرار نکنند یا آن که تا دم مرگ از اسلام و پیامبر دفاع نمایند. اهل مکه چون چنین دیدند، ترسیدند و با رسول خدا مصالحه کردند. داستان این بیعت در قرآن آمده است و از آن بخوبی و اجلال یادکرده است: «ان الذین یبایعونک انما یبایعون الله ید الله فوق ایدیهم فمن نکث فانما ینکث علی نفسه و من اوفی بما عاهد علیه الله فسیوتیه اجراً عظیماً».«آنانی که در حدیبیه با تو بیعت کردند، در حقیقت با خدا بیعت کردند، دست خدا بالای دست آن هاست، پس از آن هر کسی نقض بیعت کند، به زیان خویش کرده است و هر که بعهدش وفا کند خدا پاداش بزرگی عطا نماید». «لقد رضی الله عن المؤمنین اذ یبایعونک تحت الشجرهٔ فعلم ما فی قلوبهم فانزل السکینهٔ علیهم و اثابهم فتحا قریباً». «خداوند از مؤمنانی که در زیر درخت با تو بیعت کردند، خوشنود گشت و از خلوص قلب آن ها آگاه بود که وقار و اطمینان کامل برای شان نازل فرمود و به فتحی نزدیک پاداش داد». این بیعت به بیعت رضوان یا بیعت شجره معروف است.مورد دیگری که بیعت در حیات سیاسی رسول الله تکرار شد، پس از فتح مکه بود که تمامی مردها و زن های مکه به آن حضرت بیعت نمودند، و به نبوت و حاکمیت آن حضرت ملتزم شدند، و حضرت پس از انجام بیعت شخصی را بنام «سدوم» بعنوان حاکم مکه مقرر فرمود. مردان به شیوه ی معمول بیعت می کردند اما در مورد زنان حضرت فرمود: من با زنان مصافحه نمی کنم، امر کرد ظرف آبی بیاورید، حضرت دست خود را در میان ظرف فرو برد و بیرون کرد و فرمود: زن ها دست خود را در ظرف فرو ببرند و این بیعت شان است و داستان این بیعت را[؛] نا خداوند در قرآن آورده است:«یا ایها النبی اذا جاءک المؤمنات یبایعنک علی ان لا یشرکن بالله شیئا ولا یسرقن ولا یزنین و لا یقتلن اولادهن و لا یاتین ببهتان یفترینه بین ایدیهن و ارجلهن ولا یعصینک فی معروف فبایعهن و استغفر لهن الله ان الله غفور رحیم».«ای پیامبر! چون زنان مؤمن آیند تا با تو بیعت کنند، بر آن که دیگر هرگز شرک بخدا نورزند و سرقت و زنا نکنند، و اولاد خود را به قتل نرسانند، و به کسی افتراء و بهتان میان دست و پای خود نبندند ـ فرزند خود را بدروغ بغیر پدرش نسبت ندهند ـ و با تو در هیچ امر معروفی مخالفت نکنند، با این شرایط با آنان بیعت کن و برای آنان از خداوند آمرزش بطلب که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.»از جمله ی «ولا یعصینک فی معروف» یعنی با تو در هیچ امر معروفی مخالفت نکنند اولا این نکته استفاده می شود که آن چه رسول خدا در مجتمع اسلامی، سنت و مرسوم می کند، برای جامعه ی اسلامی عمل معروف و

پسندیده می شود، و مخالفت با آن، در حقیقت تخلف از سنت اجتماعی و بی اعتبار کردن آن است. ثانیاً از قید «فی معروف» معلوم می شود که اطاعت از تمام اوامر پیامبر واجب است،زیرا فرمان های او همه اش معروف است و همچنین مقرر می دارد که اطاعت از حاکمی که به معروف امر نکند، بر رعیت واجب نیست.چنان چه روایاتی هم در این زمینه هست که برای کسی که اطاعت خدا را نمکند اطاعتی نیست. براساس این سیره، تعیین زمامدار به شیوه ی بیعت در میان مسلمین امر قابل قبول و مورد اتفاق بوده است، امیرالمؤمنین (ع) که امامتش منصوص بود، گهگاه برای حقانیت و تأیید و تحکیم حاکمیت خود به بیعت مردم استدلال کرده است، چنانچه امام (ع) در نامه ی خود به معاویه نوشت: «انه بایعنی القوم الذین بایعوا ابابکر و عمرو عثمان علی مابایعوهم علیه فلم یکن للشاهد ان یختار ولا للغائب ان یرد». «با من همان گروهی بیعت کرده اند که با ابوبکر و عمرو عثمان بیعت کردند، پس حاضران حق انتخاب دیگری و غائبان حق رد و مخالفت با این بیعت را ندارند.در نامه ی دیگر به معاویه می نویسد:«اما بعد فان بیعتی لزمتك و انت بالشام لانه بایعنی القوم الذین بایعوا ابابکر و عمر و عثمان». «بیعت من بر تو لازم شده در حالی که تو در شام هستی، چون با من همان گروهی بیعت کرده اند که با ابوبکر و[ءّ]نا عمر وعثمان بیعت کرده بودند». نقض پیمان و نقض بیعت، از عمل های زشتی است که درقرآن و روایات از آن تقبیح شده و این عمل عاملی است برای بی ثباتی سیاسی و تزلزل ارکان جامعه و همچنین حضرت امیرالمؤمنین در نهج البلاغه از نقض کنندگان بیعت شدیداً نکوهش کرده و آنان را از دسته های شیطان شمرده است.ـ تحقق عدالت و امنیت، فلسفهء تشریع جهاد در اسلام فلسفهء تشریع جهاد در اسلام بدین جهت است که بساط شرکت، بت پرستی، فساد، تجاوز و بیدادگری از جامعه و زمین پرچیده شود و امت مسلمان در سایهء عدالت و آزادی و در محیط دور از گمراهی، تباهی و تبعیض به زندگی توأم با مهر و محبت و خلوص به سر ببرند و نظام سیاسی مبتنی بر قسط و عدالت را حاکم سازند.قرآن می فرماید:«و قاتلو هم حتی لا تکون فتنة و یکون الدین لله...»در آیه ای دیگر می فرماید:«... ولو لا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بیع و صلوات و مساجد یذکر فیها اسم الله کثیراً...» «و اگر خداوند (با اذن جهاد) بعضی از انسان هارا به وسیلهء بعضی دیگر دفع نکند، دیرها،صومعه ها، معابد یهود و نصاری و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می شود ویران می گردد». امیرالمؤمنین (ع) می فرماید:«فو الله ما غزی قوم قط فی عقردارهم الا ذلوا».«به خدا سوگند! هر ملتی در درون خانه اش مورد هجوم دشمن قرار گیرد حتماً ذلیل خواهد شد». در جای دیگر می فرماید:«ولعمری لوکنا نأتی ما أتیتم ما قام للدین عمود و لا اخضر للایمان عود».«به جانم سوگند، اگر ما در مبارزه مثل شما بودیم، هرگز پایه ای برای دین برپا نمی شد و شاخه ای از درخت ایمان سبز نمی گردید».و در نیایشی، هدف و فلسفهء توسل به جنگ و جهاد را چنین بازگو می فرماید: «اللهم انك تعلم انه لم یکن الذی کان منا منافسةً فی سلطان و لاـ التماس شیء من فضول الحطام ولکن لنرد المعالم من دینك و نظهر الاصلاح فی بلادك فیأمن المظلومون من عبادك و تقام المعطلة من حدودك». «پروردگارا! تو می دانی آن چه ما انجام دادیم نه برای این بود که ملك و سلطنتی به دست آوریم و نه برای این که از متاع پست دنیا چیزی تهیه کنیم، بلکه به خاطر این بود که نشانه های از بین رفتهء دینت را باز گردانیم و صلح و مسالمت را در شهرهایت آشکار سازیم تا بندگان ستم دیده ات در ایمنی قرار گیرند و قوانین و مقرراتی که به دست فراموشی سپرده شده، بار دیگر عملی گردد».پیامبر اکرم (ص) در مورد اهمیت جهاد در اسلام می فرماید:«الخیر کله فی السیف و تحت ظل السیف ولا یقیم الناس الا بالسیف و السیوف مقالید الجنة و النار». «تمام خیر در شمشیر است و هیچ چیز مایهء نظام و انضباط مردم نمی گردد، مگر شمشیر و شمیرها کلیدهای بهشت و دوزخند».از مفهوم این کلمات گهربار فلسفهء جنگ و جهاد در اسلام مشخص می شود و اسلام که هدفش تعلیم و تربیت انسان هاست و می خواهد که آن ها را از ظلمات به سوی نور هدایت کند،گاهی متوسل به جهاد با شرایط اسلامی آن می شود.پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) نیز در مدت حکومت خویش درگیر جنگ های فراوانی بوده اند پیامبر اکرم (ص) در مدت ده سال حکومت حدود ۸۰غزوه را فرماندهی کردو حضرت علی در سه جنگ بزرگ با مارقین وقاسطین و ناکثین به نبرد پرداخت.بعضی از احکام اسلام به گونه ای است که بدون توسل به

جهاد امکان اجرای آن ها وجود ندارد؛ لذا جهاد یکی از فروعات دینی شمرده شده است و بر هر شخص مکلفی واجب کفایی است که در جهاد شرکت کند و دین و آئینی که حکم جهاد و فروعات آن را در بر نداشته باشد، ناقص و ناپایدار است و در اثر هر گردبادی، بنیان آن افکنده می شود.ـ اقدام پیامبر (ص) برای گسترش حکومت اسلامی و ارسال نامه و سفیر به سوی پادشاهان و سران قبایل همان طور که در جای خودش تبیین شده، پیامبر اسلام (ص) رحمت للعالمین بوده و به سوی تمام بشریت مبعوث شده بود، همان طور که قرآن می فرماید:«و ما ارسلناك الا کافة للناس».و بر این اساس به محض استقرار حکومت در مدینه، پیامبر (ص) سفیران خویش را به سوی پادشاهان و رؤسای قبایل ارسال کرد تا آنان را به دین اسلام دعوت کند که در این جا به برخی از آن ها اشاره می شود: در نامه ای به نجاشی ثانی، پادشاه حبشه می نویسد:«این نامه ای است از نبی به نجاشی، عظیم حبشه. سلام علی من اتبع الهدی و آمن بالله و رسول و شهد ان الااله الا الله وحده لا شریك له ولم یتخذ صاحبة ولا ولدا و ان محمد عبده و رسوله تو را به دعوت الهی دعوت می کنم. همانا من رسول پروردگار هستم. پس اسلام بیاور تا سالم باشی».«قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و ر نشرك به شیئا ولا یتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله فان تولوا فقولوا اشهدوا بانا مسلمون» «پس اگراز دعوتم روی گردانـدی گناه نصاری بر عهـدهء تو می باشد». در نامه ای به هوذة بن علی الحنفی پادشاه یمامه می نویسد: «بسم الله الرحمن الرحیم. از محمد رسول خدا به هوذة بن علی سلام علی من اتبع الهدی. بدان که دین من به زودی فراگیر می شود، پس اسلام بیاور تا سالم باشی و تو را بر آن چه که در سلطهء توست ابقاء می کنم». یا در نامه ای به رفاعة بن زید الجذامی می نویسد: «بسم الله الرحمن الرحیم. این کتابی است از محمد رسول خدا به رفاعة بن زید و تمام قوم و عشیره اش که آن ها را به سوی خدا و رسولش دعوت می کند پس هر کس دعوتم را بپذیرید از حزب الله و حزب رسول خدا خواهد بود و هرکس رویگردان شود تا دو ماه به وی مهلت داده می شود».در نامه ی به جیفر و عبد از فرزندان جلندی می نویسد:«بسم الله الرحمن الرحیم. از محمد بن عبدالله به جیفر و عبد دو فرزند جلندی. السلام علی من اتبع الهدی اما بعد. من شما را به سوی اسلام دعوت می کنم اسلام بیاورید تا سالم بمانید. من رسول خدا به سوی تمام مردم هستم تا همه را انذار کنم و به تحقیق که وعدهء عذاب به کافران محقق خواهد شد. شما اگر اسلام آوردید با شما هم پیمان هستم و اگررویگردان شدید پادشاهی شما زایل بوده و سپاهم به سوی شما خواهد آمد و نبوتم بر پادشاهی شما سیطره پیدا خواهد کرد».همچنین پیامبر اسلام در نامه هایی که به والیان و فرستادگان خویش نوشته است، آن ها را به عدل و دادگری و اقامهء حق دعوت نموده و در عین حالی که تلاش آن حضرت برای توسعه و گسترش دین مبین اسلام را نشان می دهد، هیچ نشانه ای از سعی و تلاش وی برای برقراری حکومتی پادشاهی و موروثی که هدف آن گسترش تصرفات وافزایش اموال و افراد باشد به چشم نمی خورد.برای مثال در نامه اش به عمرو بن خرام که وی را والی نجران کرده بود می نویسد: «یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود. این عهدنامه ای است از رسول الله به عمرو بن خرام هنگامی که او را روانه ء یمن کرد. او را به تقوای الهی دعوت می کنم؛ زیرا خداونـد با تقوی می کنم؛ زیرا خداوند با تقوی پیشگان و نیکوکاران است و او را توصیه می کنم که مردم را به خیر و نیکی بشارت داده و بدان امر کند و به مردم قرآن بیاموزد و آن ها را نسبت بدان فقیه کند و مردم را در حالی که طاهر و با طهارت نیستند از مس قرآن نهی کند و مردم را از حقوقی که برایشان و بر علیه شان هست آگاه کند و در حق پرستی و صداقت با آن ها نرم و ملایم و در مقابل ظلم و ستم شدید و سخت گیر باشد؛ زیرا خداوند از ظلم کراهت دارد و آن را نهی کرده و گفته است: الا لعنة الله علی القوم الظالمین. و مردم را به بهشت بشارت دهد و آن ها را در عمل برای رسیدن به بهشت تشویق کند و آن ها را ازآتش جهنم و اعمالی که باعث سقوط در آن می شود بترساند و با مردم مدارا کند تا در دین فقیه شوند و به آن ها دستورات حج و سنت ها و فرائض آن را بیاموزد».همان طور که ملاحظه می شود، وی در نامه اش به هوذة بن علی می نویسد که دین من به زودی فراگیر می شود و یا در نامه اش به جیفر و عبد می نویسد که من رسول خدا به سوی تمام مردم هستم تا همه را انذار کنم؛ و همهء این به علاوه نامه هایش به قیصر روم و خسرو پرویز پادشاه ایران که از دولت های قدرتمند آن

زمان بودند؛ دال بر این[۴]نا است که حکومت یکی از اهداف یا از لوازم مهم بعثت پیامبر اکرم (ص) بوده و وی در اندیشهء جهانی کردن رسالت خویش بوده است، چنان که قرآن می فرماید:«و ما ارسلناك الا كافة للناس...» گسترش اسلام در اقصی نقاط جهان و دل سپردن بیش از یک میلیارد نفر به این دین حنیف نشانهء صدق گفتار نبی مکرم است که به پادشاه یمامه نوشته بود:«بدان که دین من به زودی فراگیر می شود».اگر پیامبر اسلام درصدد گسترش حکومت اسلامی و محکم کردن پایه های آن نبود، در آخرین لحظات زندگی اش نگران سپاه اسلام به فرماندهی اسامهٔ بن زید نبود و آن همه رنج و مشقت را برای برپایی نظام اسلامی متحمل نمی شد.

## قوه قضائیه در حکومت مدینه

## پاورقی

[۱] حج ۴۱.

[۲] نساء ۱۰۵.

[۳] نساء ۵۹.

[۴] نساء ۶۵.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف ) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن

منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۶۰۹-۰به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹